

قبیل: « حَمَتَمِی = Hatamti »،^۱ « هالتامی = Haltami »^۲ و « هَلِ تَمِ اِتی = Haltameti »^۳ و امثال آن. این قبیل کلمات همان تلفظ بابلی و اکدی ایلام است، که به دو علت پس از ورود به زبان و ادبیات بیگانگان تحریف گردیده و به صورت مختلف مصطلح شده است، نخست اینکه: زبان بابلی و اکدی یک زبان سامی و پیوندی است، برخلاف زبان ایلامی، که یک زبان غیر سامی و غیر هند و اروپایی و التصاقی است، لذا هر کلمه و جمله در زبانهای سامی بطور کلی تغییر شکل داده و حالت اولیه خود را از دست می دهد، چنانکه در زبان عربی و عبری این موضوع به طور واضح مشاهده می شود.

علت دوم: کسانی که گِل نوشته های بابلی، اکدی و آشوری را می خوانند احتمالاً ندانسته اند که، کلمات دخیل در هر زبان باید ریشه یابی گردد، لذا، هم در خواندن و هم در معنی کردن و هم در ریشه یابی دچار سهو و اشتباه شده اند.

بقول معروف: « عِبَارَاتُنَا شَتَّى وَ حُسْنُكَ وَاحِدٌ » و « كُلُّ إِلَى هَذَا الْجَمَالِ يُشِيرُ »

^۱ - « حَمَتَمِی = Hatamti »، « تاریخ ایران از آغاز تا صفوی، مؤلف، دفتر برنامه ریزی، و تألیف کتابهای درسی. ص ۲۱ ».

^۲ - « هالتامی = Haltami »، « کتاب تاریخ ایلام تألیف پیر آمیه، ترجمه شیرین بیانی، ص ۱۷ ».

^۳ = « هَلِ تَمِ اِتی = Haltameti »، « کتاب آثار و بناهای تاریخی خوزستان، تألیف استاد احمد اقتداری، ص ۱۱۵۰ ».

در معنی و مفهوم اصطلاحات و کلمات «اَوْژ، اَوْج، هُوَوج، هُوَژ، خُووژ» و مشکل خواندن و تلفظ صحیح و درست لغات و اصطلاحات در زبانهای بیگانه

در سنگ‌نوشته‌های بیستون، که به امرداریوش اول به سه زبان، ایلامی، آشوری و آرامی ترتیب یافته است، این حروف به خط و الفبای سومری بیست و سه بار تکرار شده است،



با وجود سعی و تلاش محققین ایرانی و خارجی در خواندن و فهم این خطوط و معانی آنها، هنوز تلفظ صحیح و بی‌چون و چرای این کلمه بعد از قرن‌ها، بطور واضح روشن نشده است. می‌دانیم که یکی از شرایط فهم درست کلمات دخیل در یک زبان بیگانه از نظر معنی و فونوتیک، تسلط شخص به زبانی است که کلمه مورد نظر در آن بکار رفته و استعمال شده است و همچنین لازم است شخص محقق تسلط تام و تمام به زبانی داشته باشد که کلمه و اصطلاح دخیل از آن زبان نشأت گرفته است بنابراین تسلط شخص محقق به دو زبان واجب و ضروری است.

مثلاً: در کتاب اوستا جمله‌ای هست «آئیرینم وجه = Aeirinam Veja» چون اوستا نخست به زبان ترکی و لهجه آذری نوشته شده بود، یعنی با یکی از رشته زبانهای اورال آلتای؛ که در اثر اجرای برنامه «پوریم» و کشته شدن خشایارشا آخرین و مقتدرترین سلطان از آخرین سلسله از سلاطین ایلامیان)، اوستای نوشته شده از میان رفت، و پس

از روی کار آمدن سلسله اشکانیان از اطراف و اکناف و سینه‌های حُفاظ جمع آوری گردید، که نام آن را « زَنیت = Zanit » گذاردند .

« زَنیت » در زبان ترکی به معنای رسم ، عادت و قانون می باشد، و امروزه بصورت « زَند » تلفظ و خوانده می شود ، و پس از انقراض اشکانیان « زَند » را به زبان هندی ترجمه کردند ، و نام آن را « پی زَنیت » گذاردند ، که امروزه « پازَند » خوانده می شود.

ترجمه کنندگان وقتی به جمله فوق‌الذکر یعنی: « ائیرینم وَجَه » رسیدند ، چون از اصل زبان اوستا و ریشه کلمات آن آگاهی نداشتند ، لذا ناچاراً جمله را به « سرزمین ایران » معنی کردند ، و متوجه نشدند که در آن زمان اصطلاح ایران و امثال آن بوجود نیامده بود و حال آنکه نویسندگان آن زمان اگر زبانشناس بودند باید می دانستند که جمله معنای دیگری دارد و آن عبارت است از اینکه: « می گردم ، می چرخم و تلاش می کنم که مفید باشم ».

چون کلمه « وَج - وَجَه » بمعنی فایده و مفید می باشد و « ائیرینم » نیز از مصدر فعل « ائیرمَک » آمده ، و متکلم وحده است ، و به معنای « گردش ، چرخش ، تلاش و تقلا » می باشد.^۴

^۴ - در مورد کلمه « وَجَه » شعری بزبان ترکی هست که خیلی مناسب دیدم در اینجا بیاورم:

« بو قاعده دیر آی یئیرینه کون ، گئیه گلمز

گر یزیه عشق اولسا ، گتیرم نئیه گلمز

عشق اهلی گرهک دهره مهنون اولا ، یوفسا

عشق اولماسا ، بانا ، نئیه گلسه « وَجَه » گلمز (صفحه بعد)

حال ، سخن این است که زردشتیان ، بجای اینکه اوستا را ازبومیان ایران و از اقوام و ملل همخون زردشت ، یعنی «آذرییان» یاد گیرند از هندیان می آموزند ، این مسئله و مشکل در سنگ نوشته های بیستون و سایر سنگ نوشته های هخامنشیان نیز به چشم می خورد ، چون این محققان سنگ نوشته ها را بوسیله زبان آشوری خوانده اند و معلوم می گردد که در تلفظ و خواندن و ریشه یابی دچار چه مشکلی شده اند ؛ و یک کلمه را به چند صورت نوشته اند و علت اصلی و اساسی آن ورود یک کلمه بومی به یک زبان بیگانه و عدم اطلاع محققین از ریشه آن است. اما در مورد کلمات «اُوژ» و هم ردیفهای آن ، باید گفت از نظر فونوتیک و وزن و تفهیم معنا ، چندان تفاوتی باهم ندارند ، و تفاوت جزئی فعلی نیز ، در اثر دخالت لهجه ها و اشتراک زبانهای مختلف ، در برخی از کلمات است. از نظر معنا و مفهوم ، «اُوژ» قوچ و میش نری را گویند ، که سه سالش تمام شده باشد ، تلفظ و معنا و مفهوم کلمه واضح است ، و فرمهای دیگر آن چنانچه گفته شد در اثر اختلاف لهجه ها یا عدم اطلاع از ریشه کلمه و یا از روی سهو و اشتباه می باشد و منظور داریوش از این کلمه ، کشور ایلام نیست بلکه یکی از ولایات ایلام است.^۵

(صفحه قبل) یعنی قاعده و قانون و رسم براین است که خورشید ، به جای ماه ، شب نمی آید.

اما در صورت وجود کشش عشق ، می آورم چطور نمی آید.

عشاق باید در جهان ، چون مجنون باشند و گر نه

یعنی در صورت نبود عشق اگر هم بیاید مفید فایده نخواهد بود .

شاهد مثال اینکه «وجه» در این شعر نیز به معنی « فایده » آمده است. « کتاب سومرلر ، تألیف مؤلف ، ص ۶۱ »

^۵ - « کتاب یادگارهای خوزستان باستان ، تألیف استاد ایرج سیستانی ، ص ۳۵ »